



تبیین تأثیر نوع‌ثمنی‌گرایی بر روابط ترکیه و عربستان از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ با تأکید بر قطر*



محسن یوسفی** - دکتر رحمت حاجی‌مینه***

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>). **چکیده**

ترکیه و عربستان به عنوان دو بازیگر قدرتمند خاورمیانه، از تأثیرگذاری زیادی بر معادلات منطقه ای برخوردار هستند. روی کارآمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه در سال ۲۰۰۲، تحولاتی عمیق در سیاست خارجی ترکیه به وجود آورد. نظریات احمد داوود اغلو با «نوع‌ثمنی‌گرایی» شناخته شده است. با وقوع خیزش‌های عربی در سال ۲۰۱۱، ماهیت روابط دو کشور که از زمان روی کارآمدن حزب عدالت و توسعه همکاری جویانه بوده، به رقابت و منازعه تغییر یافت و ترکیه و عربستان، هر کدام سیاست متفاوت و متضادی را نسبت به قطر در پیش گرفتند. سوال اصلی مقاله عبارت است از اینکه نوع‌ثمنی‌گرایی چگونه بر روابط منطقه‌ای ترکیه و عربستان (با تأکید بر قطر) تأثیر گذار بوده است؟ هدف اصلی مقاله، تبیین چگونگی تأثیر نوع‌ثمنی‌گرایی بر روابط منطقه‌ای ترکیه و عربستان (با تأکید بر قطر) است. روش مورد استفاده در مقاله تحلیلی-توصیفی می‌باشد. نتیجه‌ای که از مقاله حاصل می‌شود: تضاد منافع ترکیه-عربستان به واسطه بهار عربی و گفتمان اخوانی و سلفی، موجب ائتلاف ترکیه و قطر به دلیل حمایت این کشور از ایران در شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۷ شد.

کلیدواژگان

سازه‌انگاری، حزب عدالت و توسعه، نوع‌ثمنی‌گرایی، بهار عربی، ائتلاف ترکیه-قطر.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای محسن یوسفی با عنوان «تبیین روابط ترکیه و عربستان در دوره نوع‌ثمنی‌گرایی ۲۰۱۱-۲۰۱۹» با راهنمایی آقای دکتر رحمت حاجی‌مینه می‌باشد.

** دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

*** نویسنده مسئول، استادیار روابط بین‌الملل، گروه ارتباطات و علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. / ایمیل: r.hajiminch@iauet.ac.ir

مقدمه

با قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه در ۲۰۰۲، دوسیاست راهبردی «عمق استراتژیک» و «صفر کردن مسائل با همسایگان» مطرح شد که نظریه پرداز آن احمد داوود اغلو وزیر امور خارجه ترکیه بود. کاربست این دو راهبرد از ۲۰۰۹، نقش تعیین کننده‌ای در سیاست خارجی آنکارا در خاورمیانه و شمال آفریقا داشته است. بهبود روابط ترکیه و کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه عربستان، پیامد این دوسیاست راهبردی موسوم به «نوع‌ عثمانی‌ گرایی» بوده است. از مهمترین اهداف راهبرد نوع‌ عثمانی‌ گرایی بازسازی پیشینه تاریخی و هویتی این کشور و زنده کردن میراث امپراتوری عثمانی توسط اردوغان و حزیش بوده است.

روابط ترکیه و عربستان و قطر تا قبل از بهار عربی، رو به بهبود بود ولی با وقوع بهار عربی در سال ۲۰۱۱ دچار چرخش اساسی شد. سه کشور در ابتدا و انتهای بحران رویکرد متفاوتی به بحران داشتند. پس از سقوط دیکتاتوری‌ های عربی، اختلاف سه کشور، بحران سوریه و اختلافات ترکیه- عربستان و قطر، حمایت قطر از ایران در شورای همکاری خلیج فارس و محور مقاومت و از دیدگاه چهار کشور عربی (عربستان، مصر، بحرین، امارات)، تحریم همه جانبه علیه قطر، نقش اساسی در چرخش روابط و اختلافات فی مابین بازی کرده است. تبیین و تحلیل چرایی و چگونگی تأثیر نوع‌ عثمانی‌ گرایی بر روابط ترکیه- عربستان و تأثیر آن بر روابط با قطر پس از بهار عربی، هدف اصلی این پژوهش می‌ باشد. پرسش اصلی مقاله عبارت است از: نوع‌ عثمانی‌ گرایی چگونه بر روابط منطقه‌ ای ترکیه و عربستان (با تأکید بر قطر) تأثیر گذار بوده است؟ فرضیه این تحقیق عبارت است از این که: نوع‌ عثمانی‌ گرایی با ایجاد تضاد منافع آنکارا- ریاض زمینه ساز ورود ترکیه به ائتلاف با قطر در سال ۲۰۱۷ شد. در این مقاله برای تحلیل و تبیین داده‌ ها، از روش تحلیلی- توصیفی با شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ ای، استفاده شده است. چارچوب نظری مورد استفاده در تحقیق نظریه سازه‌ نگاری است. هدف از نگارش مقاله، تبیین تأثیر نوع‌ عثمانی‌ گرایی بر روابط ترکیه و عربستان قبل و پس از بهار عربی، و تحلیل تأثیر آن بر روابط با قطر از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ می‌ باشد.

۱- پیشینه تحقیق

درج و التیامی‌ نیا در سال ۱۳۹۷ در مقاله «تحلیل دیپلماسی قطر در قبال بحران سوریه با تأکید بر روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی» در فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام معتقدند که قطر طی دو دهه گذشته تلاش کرده خود را به عنوان بازیگری جدید بشناساند و در مسائل و تحولات منطقه‌ ای نقشی مانند بازیگرانی از جمله عربستان بازی کند. دولتمردان قطر بر روی نوع دوم قدرت (قدرت نرم و منابع اقتصادی) تأکید کرده‌ اند.

¹. Neo-Ottomanism

اشتااینبرگ در سال ۲۰۱۳ در مقاله «قطر و بهار عربی: حمایت از اسلام‌گرایان و سیاست جدید ضدسوریه» در مؤسسه امور بین‌الملل و امنیت آلمان، معتقد است که ظهور تضاد منافع میان ترکیه و عربستان در شمال آفریقا و به وجود آمدن اختلاف بین قطر و عربستان، امارات، مصر و بحرین به بهانه حمایت قطر از ایران و محور مقاومت (حمایت قطر از تروریسم)، منجر به تحریم قطر در سال ۲۰۱۷ گردید.

جین کین مونت در سال ۲۰۱۹ در مقاله «چنددستگی در خلیج فارس: تأثیر بحران قطر» در مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل چتم هاوس، خیزش‌های عربی را نقطه عطف سیاست خارجی دوحه می‌داند که قطر با جنبش‌های مردمی اسلام‌گرا در منطقه همسو شد. دوحه در حمایت از این خیزش‌ها گزینشی عمل می‌کرد و مستقیماً به حمایت از مخالفان سوری پرداخت.

بیرول باشکان در سال ۲۰۱۹ در مقاله «ترکیه بین قطر و عربستان سعودی: تغییر روابط منطقه‌ای و دوجانبه» در مجله روابط بین‌الملل شورای روابط بین‌الملل ترکیه، به روابط ترکیه، قطر، عربستان قبل از خیزش‌های عربی و حجم بازدیدها، ملاقات‌های طرفین و مبادلات تجاری سه کشور پرداخته و معتقد است که ترکیه در دهه ۲۰۰۰ روابط خوبی با عربستان و قطر برقرار کرده بود، اما با خیزش‌های عربی با عربستان درگیر شد و روابط خود را با قطر تقویت کرد. با بهار عربی، تضاد اهمیت پیدا کرد و سرانجام بر روابط آنها تأثیر گذاشت. سازش ترکیه و عربستان سعودی در بحران سوریه مانع وخامت روابط آنها شده بود. روابط ترکیه و قطر پس از بهار عربی بهبود زیادی یافت و چند دیدار در سطح عالی انجام دادند و چند توافق‌نامه امضا کردند.

۲- چاقوب نظری-سازه‌انگاری

نظریه مورد استفاده در تحقیق حاضر «سازه‌انگاری» است که از اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد روابط بین‌الملل شد و ریشه در مسئله جامعه‌شناختی دارد که در دهه ۱۹۷۰ از سوی پیتربرگر^۱ و توماس لاکمن^۲ مطرح شد. کراتوچویل^۳، اونوف^۴، ونت^۵، متفکران اصلی این دیدگاه در روابط بین‌الملل هستند.

در سازه‌انگاری، بازیگران برحسب معانی ذهنی، زبان و باورهای خود دست به کنش متقابل می‌زنند، طبق آن واقعیت را می‌سازند و خود ساخته می‌شوند (اسمیت، ۱۳۸۳)؛ (Smith, 2004). در سازه‌انگاری، بحث ارزش‌ها و هویت، معانی ذهنی و هنجارها مطرح می‌شود، هنجارها هویت را

¹. Constructivism

². Peter Ludwig Berger

³. Thomas Luckmann

⁴. Friedrich Kratochwil

⁵. Nicholas Onuf

⁶. Alexander Wendt

می‌سازند و هویت‌ها تعیین‌کننده منافع و منافع بر تصمیم‌گیری سیاستگذاران تأثیر می‌گذارند. تأکید و نت بر نقش مقوم و شکل‌دهنده تعامل اجتماعی بین‌المللی است. هویت دولت در این نظام شکل می‌گیرد اما به تأثیر عوامل درونی توجهی نمی‌شود (Price & Reus-Smit, 1998: 263-269). از نظر سازه‌انگاران نظام بین‌الملل بر اساس کدهای قواعد، هنجارها و ملاحظات مبادله‌ای عمل می‌کند که به طور دائم بازتولید می‌شوند (Knutsen, 1997: 281). کنش یا واکنش نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که آنها برای کارگزار قائل هستند. در روابط بین‌الملل در مقابل کنش واحد از سوی دوست و دشمن، برخوردهای متفاوتی صورت می‌گیرد، چون معنای کنش آنها متفاوت است (Wendt, 1992: 391). از محورهای مهم در سازه‌انگاری، چگونگی شکل‌گیری هنجارها، هویت‌ها و منافع دولت‌ها و تأثیرگذاری آن بر سیاست خارجی است. سازه‌انگاران معتقدند که کنش و واکنش‌های فرد در محیط اجتماعی صورت می‌گیرد و موجب تصمیم‌گیری می‌شود، بنابراین سیاست خارجی را دولت‌ها متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه خود می‌سازند، تصمیم می‌گیرند، تفسیر و اعلام و آنرا اجرا می‌کنند (Karimifard, 2012: 245). اهمیت هویت در سیاست خارجی آن است که دولت‌ها تصمیم‌گیرندگان اصلی آن بوده و سیاست خارجی توسط تصمیم‌گیرندگان ساخته و پرداخت می‌شود. بین هویت و رفتارهای خاص بازیگران ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. هر بازیگری در رابطه با سایر بازیگران و درباره آن‌ها برداشت خاصی دارد و براساس همین برداشت‌ها است که منافع خاصی تولید کرده و تعامل می‌کند. در سازه‌انگاری نوع و میزان تعامل و تقابل میان کنشگران تابع تفسیری است که از خود و دیگری ارائه شده است (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷۳-۱۷۲)؛ (Yazdani et.al, 2017: 172-173). معانی ذهنی بازیگران، هویت‌ها و ارزش‌ها در روابط میان کشورها تعیین‌کننده و شکل‌دهنده به سیاست خارجی خود هستند که براساس معانی ذهنی و ارجاع به هنجارها و رویکردهای معنایی و ارزشهای فیمابین است. در سازه‌انگاری منافع ملی، برون‌داد تعامل هنجارها، ارزش‌ها و معانی بین‌ذهنی است. بازیگران (دولت‌ها)، برحسب معانی ذهنی زبان و تلقی‌های برآمده از هویت خود دست به کنش متقابل می‌زنند و در این تعامل واقعیت را می‌سازند و در تعامل با واقعیت ساخته می‌شوند، هویت آنها دچار دگرگونی می‌شود. کشورها بر اساس درک خود تفسیر می‌کنند تصمیم می‌گیرند اعلام و اجرا می‌کنند. ایده‌ها و هنجارها نقش ساماندهی به رفتار کشورها و تأثیرات سازنده‌ای در ایجاد هویت اجتماعی آنها دارد (حسینی صیادنورد و مایلی، ۱۳۹۹: ۱۳۹)؛ (Hosseini Sayadnavard and Mayeli, 2020: 139).

آدلر هویت را محور قرار می‌دهد، هویت دولت‌ها محور تعریف آنها از «واقعیت» و ساختن مسائلی چون قدرت، منافع ملی، دوست و دشمن و امنیت و... و تصمیم‌گیری و کنش بر اساس آنهاست. کشورها مانند افراد، زندانیان هویت و دسته‌بندی‌های ارزشی خود هستند. این

قضاوت‌های ارزشی، برداشت ما از موقعیت‌های ویژه را از طریق تحت نفوذ قراردادادن و جهت دادن به انتخاب‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهند (Adler, 1997: 7-50). در سازه‌انگاری، هویت دولت با ارجاعاتی ارزشی به گذشته و آینده کشور شکل می‌گیرد. دولت‌ها و دولتمردان با روایت تاریخ به شیوه‌ای خاص، آن را پشتوانه عملکرد امروز خود قرار می‌دهند (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۳۶-۲۳۵)؛ (Rezaei & Omid, 2011: 235-236). قالب و مدل مفهومی برای تبیین روابط ترکیه-عربستان و قطر، سازه‌انگاری است و تحلیل نقش هویت، ارزش‌ها، هنجارها، معانی ذهنی و پیشینه تاریخی سه کشور حائز اهمیت می‌باشد. روابط ترکیه-عربستان-قطر بر اساس هنجارها و ارزش‌ها و پیشینه هویتی که ریشه در امپراتوری عثمانی دارد قابل تحلیل و تبیین است.

۳- پیشینه روابط ترکیه، عربستان و قطر

روابط ترکیه و عربستان و قطر را می‌توان به دو دوره کلی تقسیم نمود: یکی، روابط سه کشور قبل از بهار عربی؛ و دیگری، روابط ریاض-آنکارا و دوحه پس از بهار عربی.

۳-۱- روابط ریاض-آنکارا-دوحه تا قبل از بهار عربی

اولین ارتباط سیاسی ترکیه-قطر به سال ۱۸۷۱ برمی‌گردد که عثمانی‌ها به دعوت «شیخ جاسم بن محمد آل ثانی» وارد قطر شدند که نتیجه آن اتحاد خانواده آل ثانی با سلطان عبدالعزیز و منضم شدن ایالتی جدید به امپراتوری عثمانی بود. قطر تا ۱۹۱۵ بخشی از عثمانی بود، و سپس همزمان با عقب‌نشینی آنها از خلیج فارس، پیمان دیگری با بریتانیا امضا کرد که بر اساس آن، آل ثانی‌ها سیاست خارجی را به ازای شناسایی رسمی و حمایت به بریتانیا واگذار کردند (Kinninmont, 2019: 9). تجزیه عثمانی به شکل‌گیری دولت‌های ملی و شروع تغییرات ریشه‌ای در روندها و سیاست‌های جهان اسلام انجامید. با فروپاشی عثمانی، صحنه منازعات مذهبی در منطقه کم‌رنگ شد.

عربستان از بقایای امپراتوری عثمانی به وجود آمد. سیاست خارجی عربستان سعودی بر اساس ویژگی‌های هویتی، در سه فضا عمل می‌کند: دایره اسلامی که قلب و عمق استراتژی معنوی و روحی سیاست خارجی سعودی است، دایره عربی که قلب و استراتژی قومی سیاست خارجی قلمداد می‌شود و دایره خلیج فارس که قلب و عمق استراتژی اقلیمی و منطقه‌ای سیاست خارجی سعودی به حساب می‌آید. چهار اصل سیاست خارجی عربستان: ۱- رهبری جهان اسلامی و کشورهای عربی؛ ۲- وحدت جهان عرب و جلب حمایت‌های آنان در جهت منافع خود؛ ۳- تبلیغ وهابیت و دعوت به آن؛ و ۴- جلوگیری از انتشار و گسترش انقلاب ایران و حفظ وضع موجود در منطقه (علیخانی، ۱۳۹۶: ۱۹۵-۱۹۴)؛ (Alikhani, 2017: 194-195).

ترکیه از دهه ۱۹۸۰، به دنبال تقویت روابط تجاری با عربستان سعودی، قطر و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس بود. دولت‌های حزب عدالت و توسعه برای گسترش صادرات و جذب سرمایه، تلاش کرده‌اند روابط ترکیه، عربستان، قطر و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس را فراتر از روابط

اقتصادی گسترش دهند. در سال ۲۰۰۴، ترکیه طرح توسعه ناتو، معروف به ابتکار استانبول، را برای توسعه همکاری در زمینه امنیت با خاورمیانه هدایت کرد. عربستان و قطر در میان کسانی که برای پیوستن به این ابتکار دعوت شده بودند قرار داشتند که فقط پاسخ آنها مثبت بود.

نقطه عطف تاریخی روابط ترکیه با شورای همکاری خلیج فارس اعلام ترکیه به عنوان شریک استراتژیک شورا در تاریخ ۲ سپتامبر ۲۰۰۸ بود. این اولین اعلامیه شورای همکاری نسبت به کشور دیگر به عنوان شریک استراتژیک بوده است. شورای همکاری خلیج فارس همچنین تفاهم‌نامه‌ای با ترکیه امضا کرد که جلسات سالانه گفتگوی استراتژیک سطح بالا را برای مشورت در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، دفاعی، امنیتی و فرهنگی ایجاد می‌کرد. در دهه ۲۰۰۰ ترکیه و قطر در واقع بیش از آنچه که با عربستان سعودی نقاط مشترک داشتند، دارای نقاط مشترک بودند. ترکیه و قطر روابط نزدیکی با اخوان المسلمین داشتند، روابط صمیمانه‌ای با ایران برقرار کردند، حماس را نماینده قانونی مردم فلسطین به رسمیت شناختند و روابط ویژه‌ای با رژیم اسد برقرار کردند. عربستان از دهه ۱۹۹۰ به اخوان المسلمین و ایدئولوژی‌اش مشکوک بود. ایران را به عنوان رقیب ژئوپلیتیکی دید و نگران برنامه هسته‌ای و افزایش دامنه نفوذش در مناطقی مانند عراق، لبنان و یمن و فلسطین بود. و روابط پرتنش با رژیم اسد که از متحدان عرب ایران و مداخله این رژیم در لبنان بود، داشت. در طول دهه ۲۰۰۰ این اختلافات هیچ تأثیر منفی بر روابط ترکیه و عربستان نداشت. اما بهار عربی موجب تضاد در روابط دو کشور شد و مانع وخامت روابط ترکیه و عربستان سعودی شد، سازش آنها در بحران سوریه بود (Baskan, 2019: 88-89).

ترکیه در دهه ۲۰۰۰ روابط خوبی با عربستان سعودی و قطر داشت، اما با خیزش‌های عربی با عربستان درگیر و روابط خود را با قطر تقویت کرد. نخست‌وزیر ترکیه تا پایان سال ۲۰۱۰ مجموعاً ۹ بار به عربستان سعودی و سه بار هم به قطر سفر کرد. عبدالله گل رئیس‌جمهور ترکیه در سال ۲۰۰۹ به عربستان سعودی و در سال ۲۰۰۸ به قطر سفر کرد. ملک عبدالله دو بار در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ و شیخ حمد از قطر یک بار در سال ۲۰۰۹ به ترکیه سفر کردند. سفر ملک عبدالله در سال ۲۰۰۶ صورت گرفت. در همان دوره ترکیه تجارت خود را با این دو کشور خلیج فارس گسترش داد. صادرات ترکیه به عربستان سعودی از ۵۵۴ میلیون دلار در سال ۲۰۰۲ به ۲٫۲ میلیارد دلار (۴ برابر) و واردات از عربستان از ۱۲۰ میلیون دلار در ۲۰۰۲ به ۱٫۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ (۱۰ برابر) افزایش یافت از طرف دیگر، صادرات ترکیه به قطر از ۱۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۲ به ۱۶۲ میلیون دلار در سال ۲۰۱۰ (نزدیک به ۱۱ برابر) و واردات از قطر از ۱۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۲ به ۱۷۷ میلیون دلار در ۲۰۱۰ (۱۷ برابر) افزایش یافت. ترکیه همچنین موفق به جذب سرمایه خارجی از این دو کشور

¹. Istanbul Initiative

². Syrian Crisis

شد: عربستان و قطر در زمره ۲۰ کشور برتر قرار داشته‌اند که در دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۲ به طور مستقیم در ترکیه سرمایه‌گذاری کردند (Baskan, 2019: 87).

واردات		صادرات		نوع تجارت
2010	2002	2010	2002	سال
1380	120	2217	554	عربستان سعودی
177	10	162	15	قطر
1557	130	2379	569	جمع کل

جدول ۱. روابط تجاری ترکیه با عربستان سعودی و قطر تا قبل از بهار عربی (میلیون دلار)

Table 1. Turkey's trade Relations with Saudi Arabia and Qatar before the Arab Spring (Million Dollars)

Source: (Turkish Statistical Institute, 2011) <http://www.tuik.gov.tr>

از ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱، ترکیه و قطر بر میانجی‌گری در بحران‌های منطقه‌ای تمرکز کردند. دوحه در سیاست خارجی خود به دنبال ایفای نقش «حکیم» (واسطه) در اختلافات منطقه‌ای و ارتقای اعتبار و موقعیت خود در منطقه بوده است. در اواخر دهه ۲۰۰۰، هم ترکیه و هم قطر الگوهای مدرنیزاسیون اسلامی در جهان اسلام تلقی می‌شدند. این تصویر به آنکارا و دوحه فرصت‌های متعددی را برای هدایت چشم‌انداز منطقه‌ای به نفع خود از طریق تلاش‌های میانجی‌گرایانه و همکاری اقتصادی ارائه داد. قدرت نرم بیرون‌گرا و سیاست‌های خارجی میانجی‌گرایانه امیرحمد آل ثانی و احمد داوود اوغلو، وزیر خارجه سابق ترکیه، تلاقی ذهن‌ها بود.

حمایت ترکیه از اخوان المسلمین و تلاش آن برای نقش هژمونیک منطقه‌ای، به وخامت روابط با محور تحت‌رهربری عربستان (امارات و مصر) انجامید. رقابت عربستان و امارات و ترکیه در منطقه، در جنگ‌های لیبی و سوریه جریان داشته است. ترکیه و قطر هردو حامی اخوان المسلمین بودند و روابط نزدیکی با یکدیگر داشتند.

پایگاه نظامی ترکیه در قطر در سال ۲۰۱۵، به عنوان حرکتی نمادین تأسیس شد. در سال ۲۰۱۷، عربستان، امارات و بحرین و مصر، قطر را به دلیل حمایت از اخوان المسلمین و روابط با ایران تحت تحریم سیاسی و تجاری قرار دادند. این بحران منجر به بهبود روابط قطر و ترکیه از جمله «بازدیدهای رسمی، گسترش پیوندهای صنایع دفاعی، و تمرین‌های مشترک آموزشی و نظامی» شد. بهبود روابط ترکیه و قطر به احساس تهدید روزافزون در عربستان و امارات در رابطه با سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه کمک کرده است (Benli Altunisik, 2020: 6-7).

۳-۲- روابط ترکیه-عربستان و قطر پس از بهار عربی

روابط ترکیه و عربستان تا قبل از تحولات عربی رو به بهبود بود اما با سقوط دیکتاتوری‌های عربی، روابط ترکیه و عربستان و قطر دچار چرخش گردید. وقوع تحولات عربی موجب شد که ترکیه نقش منطقه‌ای خود را بازتعریف کرده و دوباره به دنبال پرکردن خلاء قدرت ایجاد شده و

ارتقای جایگاه منطقه‌ای خود باشد. استفاده از دیپلماسی عمومی و تلاش جهت معرفی خود به عنوان الگوی حکومتی موفق در منطقه و حمایت از مخالفان دولت بشار اسد را می‌توان در این راستا تحلیل نمود (Mousavi et.al., 2018: 128). بهار عربی چالش‌های امنیتی برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، عربستان سعودی و قطر ایجاد کرد. قطر، اخوان‌المسلمین و دکتورین سیاسی‌اش را ترویج کرده است. با وقوع قیام‌های عربی و جنگ داخلی در سوریه و رقابت عربستان و ایران، فرقه‌گرایی تشدید شد. این نگرانی‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی عربستان سعودی و قطر، در حوزه مدیترانه، بر چارچوب‌بندی مدیترانه‌ای آنها تأثیر می‌گذارد. علی‌رغم شعارهای برادری اسلامی و عربی عربستان و قطر، روابط اقتصادی دو کشور با کشورهای حوزه مدیترانه تحت تأثیر ملاحظات ژئوپلیتیکی قرار دارد (Ehteshami and Mohammadi, 2017: 4-5).

چندقطبی بودن ایدئولوژی خطوط ائتلاف‌ها و مشارکت‌ها را به این صورت مشخص می‌کند که «دولت‌هایی که ایده‌های مشترک در مورد اصول مناسب و مشروع حکومت را شکل می‌دهند، تمایل دارند متحد شوند. روابط ترکیه و قطر، پس از روی کار آمدن اسلام‌گرایان میانه‌رو تقویت شد (Battaloglu, 2021: 105).

عربستان سعودی خیزش‌های عربی ۲۰۱۱ را به عنوان تهدید تلقی می‌کرد، اما قطر آن را فرصت می‌دید و از بازیگران اسلامی منطقه و شمال آفریقا حمایت کرد. از زمان کودتای ۲۰۱۳ مصر، و اجماع ۴ کشور عربی در سال ۲۰۱۷ به رهبری عربستان و امارات برای منزوی کردن دوحه، شاهد عقب‌نشینی نفوذ این کشور در منطقه بوده‌ایم. محاصره قطر توسط عربستان سعودی و امارات در سال ۲۰۱۷، قطر را به ترکیه نزدیک کرد، ترکیه از قبل، از نظر ایدئولوژیک، به لحاظ حمایت از بازیگران اسلامی، در منطقه با دوحه همسو بود. ترکیه پایگاه نظامی خود را در قطر مستقر کرد و قطر برای احیای اقتصاد ترکیه سرمایه‌گذاری قابل توجهی در اقتصاد ترکیه کرده است، از جمله خط سوآپ ارزی ۱۵ میلیارد دلاری به منظور کمک به تقویت لیر ترکیه، و خرید سهام در بورس ترکیه (Abdel Ghafar, 2021: 5).

روابط اقتصادی ترکیه و قطر پس از آغاز محاصره، رشد بی‌سابقه‌ای را شاهد بود. به گفته بولنت تیفنکچی^۱، وزیر گمرک و تجارت ترکیه، صادرات ترکیه به قطر در ماه‌های ابتدایی محاصره سه برابر شد. صادرات ترکیه به قطر در بخش‌های غذایی، ساختمانی و دارویی بوده است. دوحه در طول بحران ارزی ۲۰۱۸، در کنار ترکیه ایستاد. اردوغان از شیخ تمیم و مردم قطر تشکر کرد. آغاز روابط ترکیه و قطر، قبل از بحران است، اما روابط پس از آن در زمینه نظامی نیز شتاب گرفت.

^۱. Gulf Cooperation Council (GCC)

^۲. Bulent Tufenkci

پارلمان ترکیه معاهده نظامی را که اجازه استقرار حدود ۳۰۰۰ نیروی ترکیه در قطر را می‌داد، تصویب کرد. روابط ترکیه و قطر در زمینه نظامی پس از بحران خلیج فارس به سرعت ادامه یافت (Baskan, Pala, 2020: 8-10).

ترکیه ابتدا روابط خود را با قطر تحت حمایت مشارکت استراتژیک با شورای همکاری خلیج فارس بهبود بخشید، اما پس از قیام‌های عربی، روابط دوجانبه تقویت شد. عربستان سعودی به دنبال حفظ وضع موجود بوده است. از بهار عربی، خاورمیانه مبتنی بر سیستم سه قطبی است که ائتلاف ترکیه و قطر نماینده بلوک مقاومت میانه‌رو در کنار عربستان سعودی است (Battaloglu, 2021: 105). ترکیه از ۲۰۱۷ به بزرگ‌ترین شریک تجاری قطر بدل شده است و صادرات ترکیه به قطر شاهد افزایش بی‌سابقه بوده است و بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ رشد ۵۸۷ درصدی داشته است.^۱ قطر حامی رویکرد منطقه‌ای و توسعه‌طلبانه ترکیه با ترکیه بر گفتمان و تفسیرخوانی از دین بوده است. پایگاه نظامی ترکیه در قطر از مصادیق بالای همکاری و اتحاد دوحه-آنکارا است که نشان می‌دهد روابط ترکیه و قطر از همسویی گفتمانی بر سر حمایت از اخوان المسلمین فراتر رفته است.

۴- تبیین تأثیر نوع‌ثمنی‌گرایی بر ائتلاف ترکیه-قطر

نوع‌ثمنی‌گرایی موجب تغییرات اساسی در سیاست خارجی ترکیه و بهبود روابط آنکارا-ریاض شد، اما پس از سرایت قیام‌های عربی به سوریه و تشدید بحران، روابط دوکشور تیره شد. حمایت قطر از ایران در شورای همکاری خلیج فارس زمینه‌ساز ائتلاف دوحه-آنکارا در سال ۲۰۱۷ شد.

۴-۱- سوریه نقطه مشترک در روابط ترکیه، قطر و عربستان

بهار عربی در دسامبر ۲۰۱۰ در تونس آغاز شد و به سایر کشورهای عربی و سوریه سرایت کرد. اعتراضات خیابانی در مارس ۲۰۱۱ در شهر درعا فوران کرد و با تأخیر به شهرهای دیگر رسید. اسد اصلاحات محدودی را انجام داد. در تابستان ۲۰۱۱ تعدادی از افسران فراری ارتش آزاد سوریه^۲ را برای هماهنگی گروه‌های شورشی تأسیس کردند.

ترکیه در نوامبر ۲۰۱۱، مجازات‌هایی را علیه رژیم وضع کرد، در مارس ۲۰۱۲، سفارت خود را در سوریه بست و در می ۲۰۱۲ دیپلمات‌های سوری را اخراج کرد. پیش از بهار عربی قطر همانند ترکیه، روابط صمیمانه‌ای با سوریه برقرار کرده بود و در ماه‌های اولیه بحران سکوت اختیار کرد. پس از حمله معترضان طرفدار رژیم به سفارت خود در دمشق در ژوئیه ۲۰۱۱، سفارت خود را بست

^۱. Dr. Amin Mohseni-Cheraghloou, Assistant Professor of Islamic Finance and Economy at the College of Islamic Studies at Hamad Bin Khalifa University: <https://www.hbku.edu.qa/en/news/ties-between-qatar-turkey>

^۲. Free Syrian Army (FSA)

و سفیر خود را فراخواند. در نوامبر ۲۰۱۱ در اتحادیه عرب تلاش کرد مانع عضویت سوریه و اعمال تحریم‌های اقتصادی شود. قطر در ژانویه ۲۰۱۲، کشورهای عربی را به مداخله نظامی در منازعه سوریه فراخواند. آنکارا از ۲۰۱۶، از قدرت نظامی برای تعقیب اهداف خود استفاده کرده است، زیرا آنکارا تهدیدات مستقیمی را علیه امنیت ملی خود احساس کرد.

عربستان برای پیشبرد اهداف خود در سوریه از گروه‌های سلفی مسلح حمایت کرد و طرفدار تشکیل دولتی در سوریه همراستا با منافع خود در منطقه بودند تا از نفوذ ایران در منطقه جلوگیری کند. ساز و کار عربستان برای مداخله در سوریه، حمایت مالی و تسلیحاتی مخالفان سوری، تحریک اختلافات قومی و مذهبی، به کارگیری ابزارهای نرم‌افزاری و تبلیغاتی و به راه انداختن جنگ روانی اشاره کرد (خدابخشی و دیگران، ۱۳۹۹: ۸۹-۸۸)؛ (Khodabakhshi et al., 2020: 88-89). تحولات جهان عرب فرصتی برای عربستان سعودی و ترکیه فراهم نمود تا خلاء قدرت به وجود آمده در منطقه را پر نموده و جایگاه خود را در حوزه‌های منطقه و بین‌المللی ارتقا دهند. ترکیه و عربستان سعودی علیرغم وجود شکاف ایدئولوژیک ناشی از قرائت‌های متفاوت از اسلام-میان‌رو و افراطی- به دلیل ترس از افزایش نفوذ ایران به عنوان رهبر جریان شیعی طی بحران سوریه در مقابل ایران و عراق متحد شدند (Mousavi et al, 2017: 177). حاکمان سعودی ستون‌های اصلی حفظ وضع موجود در منطقه و از آن مهم‌تر مصر تحت رهبری حسنی مبارک متحد اصلی‌اش علیه ایران بودند.

مهمترین اقدام عربستان سعودی علیه سوریه، دعوت کشورهای حوزه خلیج فارس به فراخواندن سفرای خود از دمشق و اخراج سفرای سوریه در فوریه ۲۰۱۲ و قطع روابط دیپلماتیک با رژیم اسد بود. در آغاز ۲۰۱۲، عربستان، قطر و ترکیه به این نتیجه رسیده‌اند که رژیم بشار اسد باید برود، یا سرنگون شود. در مارس ۲۰۱۲ شروع به افزایش حمایت مالی و نظامی از گروه‌های شورشی مخالف کردند، ارتش آزاد سوریه کانون اصلی دستیابی به گروه‌های شورشی بود (Baskan, 2019: 89-91). خیزش‌های جهان عرب فرصتی فراهم کرد تا عربستان و ترکیه با حمایت از گروه‌های تروریستی و تکفیری منطقه و فروپاشی حکومت اسد در سوریه و حکومت شیعه در عراق و تشدید فرقه‌گرایی جلوی نفوذ ایران را بگیرند (Mousavi et al, 2018: 139).

۴-۲- عوامل و زمینه‌های ائتلاف ترکیه و قطر

پس از خیزش‌های عربی برخی عوامل نقش مهمی در سوق دادن آنکارا و دوحه به ایجاد اتحاد منطقه‌ای داشته‌اند:

۴-۲-۱- چرخش روابط ترکیه، قطر و عربستان پس از بهار عربی

رژیم نظامی مصر در تابستان ۲۰۱۴ تثبیت شد و اخوان المسلمین دیگر نگرانی اساسی نبود. شاهد پیشروی داعش در عراق بودیم که عربستان، قطر و ترکیه را تحت فشار قرار داد تا توجه‌شان را به منازعه سوریه معطوف کنند. رژیم اسد ریشه اصلی داعش اعلام شد. شیخ تمیم از قطر در مصاحبه

با CNN گفت: «علت اصلی همه اینها رژیم سوریه است و این رژیم باید مجازات شود». اردوغان گفت: سازمان تروریستی داعش وجود دارد، اما اسد نیز وجود دارد که ترور دولتی را گسترش می‌دهد. ممکن نیست رویکردی که علیه اسد موضع‌گیری نکند بتواند با داعش بجنگد». سعود الفیصل، وزیر خارجه عربستان نیز گفت: «شکست دادن داعش نیازمند نیروهای رزمی زمینی است، نیاز فوری به تقویت نیروهای اعتدال در ارتش آزاد سوریه و سایر نیروهای مخالف میانه‌رو وجود دارد». عربستان، قطر و ترکیه در یک عرصه قرار گرفتند. اصلاح روابط آغاز شد. در نوامبر ۲۰۱۴، عربستان سفیر خود را به دوحه فرستاد. اردوغان در ژانویه ۲۰۱۵ برای شرکت در مراسم خاکسپاری ملک عبدالله از عربستان دیدار کرد. اردوغان در دسامبر ۲۰۱۵ نیز به عربستان سفر کرد و توافق‌نامه‌های مختلفی از جمله در زمینه نظامی امضا کردند. اردوغان و سلمان در آخرین دیدار توافق کردند که حمایت از مخالفان سوریه را تقویت کنند. ساقط شدن جت روسی توسط ترکیه در نوامبر ۲۰۱۵ با واکنش شدید روسیه روبرو شد که توانایی ترکیه برای مداخله در سوریه را محدود کرد. متحدان ترکیه در خلیج فارس در بحران سوریه با چند مسئله مواجه بودند: اول، کاهش قیمت نفت که از تابستان ۲۰۱۴ از محدوده ۹۰-۱۰۵ دلار به ۴۰-۶۰ دلار کاهش یافت که عربستان و قطر را مجبور به کاهش بودجه کرد. دوم، مداخله نظامی روسیه، روحیه آنها را برای سرمایه‌گذاری بیشتر تضعیف کرد. با وجود بحران سوریه، روابط ترکیه با عربستان و قطر در ماه‌های بعد با هم رو به گسترش بود. ترکیه و عربستان دیدارهایی را در سطوح بالا انجام دادند. ملک سلمان در نوامبر ۲۰۱۵ برای شرکت در نشست G20 و در آوریل ۲۰۱۶ به ترکیه سفر کرد. عربستان و ترکیه در سال ۲۰۱۶ به چهار رزمایش نظامی پیوستند و در انجمنی دفاعی به نام دفاع الکترونیکی عربستان سعودی همکاری کردند. روابط ترکیه-قطر در این دوره بهبود یافت، طرفین دیدارهایی در سطح عالی انجام دادند و چندین توافق‌نامه امضا کردند، از جمله در سال ۲۰۱۵ که طرفین با ایجاد پایگاه نظامی و استقرار نیروهای ترکیه در قطر موافقت کردند (Baskan, 2019: 94-96).

۴-۲-۴- ظهور حزب اتحاد دموکراتیک سوریه و بحران دوم خلیج فارس

ترکیه، قطر، عربستان در برخی موضوعات از جمله ظهور حزب اتحاد دموکراتیک سوریه دارای پیوندهایی بودند که زمینه‌ساز نزدیکی روابط آنها بود که واکنش سه کشور به این مسئله، مهم بوده است. مداخله نظامی روسیه و اولویت ایالات متحده برای شکست داعش، فرصتی ارزشمند به پ.ی.د. وابسته به پ.ک.ک داد تا حوزه نفوذ خود را در سوریه گسترش دهد. ظهور پ.ی.د. موجب نگرانی ترکیه و دلیل قانونی برای مداخله نظامی در سوریه فراهم کرد. ترکیه در ژوئن ۲۰۱۶ با روسیه آشتی کرد و دو ماه بعد در سوریه مداخله نظامی کرد و از گسترش پ.ی.د. به غرب جلوگیری کرد. در ژانویه ۲۰۱۸، ترکیه حمله نظامی دیگری به سوریه انجام داد و پ.ی.د را از

عفرین بیرون کرد. ترکیه ضمن هدف قرار دادن پ.ی.د، نیروهای شورشی را نیز در حملات نظامی خود و در مدیریت این مناطق جدید تصرف شده قرار داد. عربستان نسبت به هر دو مداخله نظامی ترکیه در شمال سوریه سکوت کرد، قطر حمایت دیپلماتیک خود را از مداخله دوم اعلام کرد. مداخله ترکیه منازعه سوریه را طولانی و اثرزای ایران و رژیم اسد را تحلیل می‌برد. عربستان از تشکیل بلوک منطقه‌ای همراستا با اخوان المسلمین و احیای مخالفت اسلام‌گرای داخلی نگران بود. ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا ضربه مهلکی به داعش وارد کرد. در ژوئن ۲۰۱۷، پادشاهی به امارات، بحرین و مصر معروف به چهار جانبه عرب پیوست که روابط دیپلماتیک خود را با قطر قطع کردند و اقدامات تنبیهی از جمله تحریم و ممنوعیت هرگونه تردد انجام دادند. ترکیه در بحران دوم قطر، بی‌طرف بود و خواستار حل بحران از طریق گفتگو شد. ترکیه در طرفداری و حمایت از قطر، چندین تن مواد غذایی به قطر فرستاد تا اثرات تحریم و محاصره را کاهش دهد. پارلمان ترکیه، قانونی برای استقرار نیروهای نظامی به قطر تصویب کرد. ترکیه و قطر در ماه آگوست رزمایش نظامی برگزار کردند. خواسته مهم چهار جانبه عرب برای پایان دادن به بحران، تعطیلی پایگاه نظامی ترکیه در قطر بود. مواضع ترکیه در حمایت از قطر، واکنش عربستان را به دنبال داشت. پس از تشدید بحران قطر، عربستان سعودی در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۷ جلسه‌ای با مقامات پ.ی.د. برگزار کرد. عکسی از این نشست توسط «ینی شافاک» روزنامه‌حامی دولت در ترکیه منتشر شده که نشان می‌دهد این جلسه در دفتری برگزار شده که عکس بنیانگذار پ.ک.ک. ترکیه، به دیوار آن آویزان بود. در اکتبر ۲۰۱۷، «تامر السبحان» وزیر امور خلیج فارس عربستان، به همراه «برت مک گورک» فرستاده ایالات متحده در ائتلاف علیه داعش، برای بحث در مورد بازسازی رقه تحت کنترل پ.ی.د. در آن زمان بازدید کرد. پس از حمله نظامی دوم ترکیه علیه پ.ی.د، مقامات نظامی سعودی با همراهی افرادی از امارات و اردن از پایگاه نظامی در مناطق تحت کنترل پ.ی.د. و رهبران آن دیدار کردند. سه ماه پس از این بازدید، عربستان سعودی متعهد شد ۱۰۰ میلیون دلار برای پروژه‌های تثبیت در مناطقی که قبلاً در دست داعش بود، اما اکنون تحت کنترل پ.ی.د. است، کمک کند و در اکتبر ۲۰۱۸ پرداخت را انجام دهد. زمانی که بن سلمان ولیعهد سعودی این ادعا را مطرح کرد، از قبل ائتلاف عمیقی بین ترکیه و عربستان سعودی وجود داشت که با فوران بهار عربی تشدید شد و در سال‌های بعد عمیق‌تر شد (Baskan, 2019: 96-98).

۴-۳-۱ اختلاف قطر-عربستان در شورای همکاری خلیج فارس

گرچه شورای همکاری خلیج فارس همواره الگوی انسجام و دیپلماسی بوده، با این همه میان کشورهای عضو اختلافاتی وجود دارد. در ۵ ژانویه ۲۰۱۷، شورای همکاری دچار اختلاف و چنددستگی شد. بحرین، امارات و مصر علیه قطر در این بحران، با عربستان همراهی کردند. از بهار عربی به بعد، به واسطه نگاه متضاد و غیر همسوی قطر و عربستان به مسائل منطقه‌ای، شکاف سیاسی

میان آنها پدید آمد. قطر و عربستان در بحران‌های سوریه، عراق و یمن، دارای وحدت راهبردی ولی در حمایت قطر از اخوان المسلمین و دشمنی عربستان با این جنبش اختلاف داشتند. روابط راهبردی قطر-ترکیه و نارضایتی سعودی‌ها، جاه‌طلبی‌های قطر و نگرانی‌های سعودی‌ها و گسست قطر از سیاست‌های عربستان در منطقه سبب تحریم توسط چهار گانه عربی شد (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۹)؛ (Alishahi et.al, 2017: 69). ریشه این منازعه، سیاست مستقل قطر در شورای همکاری و نقش این کشور در تحولات عربی غیر همسو با سیاست‌های منطقه‌ای عربستان و دوم، نگاه قیم‌مآبانه عربستان در میان ملل عرب و شورای همکاری خلیج فارس، روابط خوب قطر با ایران، ترکیه، سوریه و... و قدرت‌ها (ایالات متحده) و گروه‌ها، جنبش‌ها و سازمان‌ها بود (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۸۸)؛ (Mohammadi and Ahmadi, 2015: 188)

کشور	قطر	عربستان	امارات	امان	کویت	بحرین
GDP	3/2	2/8	2/5	1/6	1/3	1/2

جدول ۲. درصد رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (بهار ۲۰۱۶)

Table 2. GDP Growth Percentage of the Member Countries of the Persian Gulf Cooperation Council

(Spring 2016) Source: (The World Bank, 2016)

۴-۳-۴- رویکرد قطر نسبت به «خیزش‌های عربی»^۱
 خیزش‌های عربی ۲۰۱۱ نقطه عطف سیاست خارجی دوحه بود که با این جنبش‌ها همسو شد و طرفدار آن بود. عمدتاً به خاطر پوشش گسترده شبکه الجزیره، مانند دیگر کشورهای منطقه در حمایت از این خیزش‌ها گزینشی عمل می‌کرد؛ در تلاش برای سرنگونی اسد به حمایت از مخالفان سوری پرداخت؛ و به همراه امارات در اجرای منطقه پرواز ممنوع در لیبی شرکت داشت؛ اما در حمایت اقتصادی از دولت‌های وابسته به اخوان المسلمین در مصر و تونس پا را از دولت‌های حوزه خلیج فارس فراتر گذاشت (Kinninmont, 2019: 11). قطر از جنبش‌های مردمی خاورمیانه علیه دیکتاتوری‌ها برای تغییر دموکراتیک، اخوان المسلمین در مصر، النهضه در تونس، حماس در فلسطین و مخالفان در لیبی و سوریه حمایت کرد. بر اساس اتحاد تاریخی قطر-اخوان المسلمین، قطر از نظر ایدئولوژیکی و سیاسی از اخوان المسلمین حمایت می‌کرد و آن را به عنوان تهدید نمی‌دید. اعضای اخوان المسلمین در داخل و خارج از قطر، قبلاً با دولت قطر متحد بودند (Cavusoglu, 2020: 96).

عامل دیگر مهم در گسست روابط قطر-عربستان سعودی و برقراری روابط نزدیک با ترکیه، نحوه کنش و واکنش دوحه به خیزش‌های عربی بوده است. قطر از اواسط ۱۹۹۰ با توجه به تعریف نقش جدید برای خود برای حضور فعال در مناقشات و منازعات منطقه‌ای متعدد سعی کرده بین گروه‌های

^۱. Arab Uprisings

^۲. دارفور، اتیوپی، اریتره، لبنان، سومالی، اسرائیل و فلسطین، یمن، صحرای غربی، افغانستان و اندونزی

مختلف نقش واسطه‌گر داشته‌باشد. قطر قیام‌های عربی سال ۲۰۱۱ را فرصتی برای تحکیم موقعیت و کسب اعتبار منطقه‌ای و نشان دادن خود به عنوان حامی ملت‌های عرب دانست. قطر در تلاش برای خروج از چارچوب سیاست‌های تحمیلی عربستان بر شورای همکاری است. قطر از بازیگران عمده بحران سوریه و مخالف بشار اسد بوده، از معارضان سوری از جمله اخوان المسلمین و ارتش آزاد سوریه حمایت می‌کرد (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۶۹-۱۹۵)؛ (Mohammadi & Ahmadi, 2018: 195-196). نقش آفرینی قطر و سرعت تحولات عربی، حاکمان قطر را بر آن داشت که نقش چندجانبه و متفاوتی در این تحولات ایفا کنند. گسترده‌گی حوادث در منطقه، نشان‌دهنده بلندپروازی قطر از مغرب تا سوریه به عنوان صحنه‌ای برای نقش‌های متعدد این کشور است (عبدخدایی و تبریزی، ۱۳۹۴: ۱۸۵)؛ (Abdkhodaei and Tabrizi, 2015: 185).

در اوایل ۲۰۱۹، ریشه دودستگی در شورای همکاری خلیج فارس تحریم قطر بود. این بحران از ژوئن ۲۰۱۷ آغاز شد که چهار کشور، روابط خود را با قطر قطع و سفر به این کشور را ممنوع کردند، اتباع خود را خارج نموده و سرمایه‌های خود را بیرون کشیدند. دوحه چهار کشور را متهم به تلاش برای ایجاد بحران ارزی و درگیری نظامی در قطر کرد. قطر به دلیل برخورداری از منابع اقتصادی گسترده و متحدان مهم فرامنطقه‌ای توانست در مقابل تحریم‌ها مقاومت کند. دوحه میزبان پایگاه هوایی ایالات متحده در خاورمیانه است. اتحاد قطر-ترکیه از آغاز بحران عمیق ترشد و روابط خود با ایران را تحکیم بخشیده است. چهار کشور عربی به روابط نزدیک قطر با ایران و ترکیه اعتراض داشتند؛ مسدود ساختن مسیرهای تجاری قطر از سوی عربستان، دوحه را به سمت پیوندهای نزدیک تر با این دو کشور سوق داد (Kinninmont, 2019: 3).

تنش میان قطر و چهارجانبه عربی پس از سفر ترامپ به ریاض در ۲۰ می ۲۰۱۷ بروز کرد. از پیامدهای سفر ترامپ، تنش در شورای همکاری خلیج فارس میان قطر و عربستان، امارات و بحرین بود که مصر نیز با آنها همراه شد. امیر قطر، ایران را «قدرت بزرگ» نامید و روابط با ایران را «خوب» توصیف کرد. امیر قطر گفت «ایران از اهمیت منطقه‌ای برخوردار است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت لذا تشدید اوضاع با این کشور به دور از حکمت و تدبیر است». این اظهار نظر با واکنش تند عربستان، امارات، بحرین و مصر مواجه شد و این کشورها از ۵ ژوئن ۲۰۱۷ روابط خود با دوحه را قطع کردند.

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه از ۲۰۰۲ در خاورمیانه، مبتنی بر دو راهبرد عمده بوده: صفر کردن مسائل با همسایگان و سیاست عمق استراتژیک. سیاست خارجی ترکیه در منطقه و در

^۱. عربستان، امارات، بحرین و مصر

^۲. شیخ تمیم بن حمد آل ثانی

تعامل با کشورهای خاورمیانه، بر ابعاد معنایی و هویتی استوار است. سیاست خارجی ترکیه در رابطه با قطر-عربستان سعودی در چارچوب سازه‌انگاری و راهبرد نوع‌ عثمانی‌ گرای قابل تحلیل است. بر اساس نظریه سازه‌انگاری، ارجاع به هویت‌ها و پیشینه تاریخی و تأکید بر هویت‌گرای، و نگرش هویتی سیاست‌گذاران، شکل دهنده سیاست خارجی است. از آنجا که عربستان و قطر بخش‌هایی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند، روابط آنکارا با این دو کشور نیز در سطح مناسبی قرار داشته است.

روابط ترکیه و عربستان-قطر، تا قبل از بهار عربی رو به گسترش بود اما با وقوع بهار عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا، تغییرات مهمی در سیاست خارجی این کشورها رخ داد. عربستان به دلیل جایگاه مذهبی، ایدئولوژیکی، ژئوپولیتیکی که برای خود قائل است مدعی رهبری کشورهای منطقه و جهان اسلام است. ترکیه نیز با توجه به گذشته تاریخی و هویتی متصور برای خود، احیای شکوه و عظمت امپراتوری عثمانی را در سر دارد و داعیه‌دار رهبری کشورهای اسلامی به عنوان الگویی از کشور مسلمان و مدرن می‌باشد. با وقوع خیزش‌های عربی و حمایت ترکیه از جنبش اخوان-المسلمین و به دنبال آن تحریم قطر از سوی چهارجانبه عربی، ترکیه از طریق ارسال مواد غذایی، ایجاد پایگاه نظامی، و حمایت‌های مالی به قطر روابط نزدیکی را تاکنون با قطر به عنوان متحد منطقه‌ای خود برقرار کرده است. این اقدام ترکیه در کمک به قطر در سال ۲۰۱۷، موجب تیرگی روابط ترکیه و عربستان شد. قطر از نظر تاریخی دارای روابط حسنه با ترکیه بوده است. اختلاف و چنددستگی میان برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از جمله اختلافات سیاسی، ایدئولوژیکی قطر-عربستان و رقابت آن‌ها بر سر نفوذ منطقه‌ای باعث بحرانی شدن اوضاع سیاسی خلیج فارس شده و ضمن تأثیرات منفی بر روابط درونی کشورهای شورای همکاری، اختلافات قدیمی را مجدداً زنده و تشدید نمود. پس از بهار عربی عربستان و ترکیه به واسطه دیدگاه متضاد ناشی از تفسیر متضاد ایدئولوژیک دچار تضاد منافع شدند و موجب نزدیکی روابط ترکیه و قطر و ائتلاف دو کشور شد. ترکیه با توجه به نزدیکی دیدگاه‌هایش با اخوان المسلمین در پی ترویج و گسترش دیدگاه اخوانی و عربستان با توجه به دیدگاه ایدئولوژیک مبتنی بر سلفی و وهابی به دنبال ترویج ایدئولوژی سلفی‌گری بوده است. این اختلاف دیدگاه‌ها زمینه‌ساز رویارویی و تضاد منافع ریاض آنکارا و ائتلاف ترکیه و قطر شد. به بیانی دیگر نوع‌ عثمانی‌ گرای باعث تضاد منافع آنکارا-ریاض و زمینه‌ساز ورود ترکیه به ائتلاف با قطر در سال ۲۰۱۷ شد.

منابع فارسی

۱. اسمیت، اس (۱۳۸۳). رویکردهای واکنشی و ساختارگرایانه در نظریه‌های بین‌المللی. جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر جدید. ترجمه ابوالقاسم رحمانی و دیگران، تهران: مؤسسه بین‌المللی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی.

۲. امیدی، ع.، رضایی، ف. (۱۳۹۰). عثمانی‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه. *فصلنامه روابط خارجی*، ۳(۳) ۲۵۲-۲۳۱.
۳. حسینی صیادنورد، م.، مایلی، م.ر. (۱۳۹۹)، تحول نظریه سازه‌انگاری از روابط بین‌الملل به مباحث علوم سیاسی، *فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۳(۵۰)، ۱۲۹-۱۴۹.
۴. خدابخشی، ل.، ازغندی، ع.، هرمیداس باوند، د. (۱۳۹۹). سیاست خارجی ایران و عربستان سعودی در مورد تحولات سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۹). *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۷(۲)، ۹۵-۷۷.
۵. درج، ا.، التیامی‌نیا، ر. (۲۰۱۸). تحلیل دیپلماسی قطر در واکنش به بحران سوریه با تأکید بر روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی. *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۷(۳)، ۵۴-۲۳.
۶. عالیشاهی، ع.، مسعودنیا، ح.، فروزان، ی. (۱۳۹۶). بررسی روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی؛ از تبیین همگرایی تا گسست سیاسی از بیداری اسلامی تا بحران رابطه در ژوئن ۲۰۱۷. *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست عمومی*، ۷(۲۴)، ۷۲-۴۹.
۷. عبدخدایی، م.، تبریزی، ز. (۱۳۹۴). بررسی نقشه خلاقانه قطر در مسئله فلسطین پس از تحولات منطقه. *فصلنامه تحقیقات سیاست راهبردی*، ۴(۱۵)، ۱۷۹-۲۰۰.
۸. علیخانی، م. (۱۳۹۶). هویت در سیاست خارجی عربستان سعودی و پیامدهای منطقه ای آن. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۴(۳)، ۲۱۰-۱۸۰.
۹. محمدی، ح.، احمدی، ای. (۱۳۹۴). تحلیل ژئوپلیتیک، قطع روابط سیاسی با عربستان و تأثیر آن بر آینده شورای همکاری خلیج فارس. *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست عمومی*، ۸(۲۸)، ۱۸۷-۲۰۶.
۱۰. یزدانی، ا.، طحانیان زاده، ع.، فلاحی، ه. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی مقایسه استراتژیک ترکیه و عربستان سعودی در بحران سوریه. *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۶(۲۳)، ۱۹۶-۱۶۹.

English References

1. Abdel Ghafar, A. (2021). Between Geopolitics and Goeconomics: The Growing Role of Gulf States in the Eastern Mediterranean. *Istituto Affari Internazionali (IAI)*. (<https://www.jstor.org/stable/resrep28808>) Accessed: 14-01-2022.
2. Adler, E. (1997). Seizing the Middle Ground: Constructivism in World Politics, *European Journal of International Relations*, 3(3), 319-363.
3. Baskan, B. (2019). Turkey between Qatar and Saudi Arabia: Changing Regional and Bilateral Relations, *Uluslararası İlişkiler*, 16(62), 85-99.
4. Baskan, B., Pala, O. (2020). Making Sense of Turkey's Reaction to the Qatar Crisis, *The International Spectator (Italian Journal of International Affairs)*, May 4.

5. Battaloglu, N.H. (2021). Ideational Factors in Turkey's Alignment with Qatar and Their Impact on Regional Security. *The International Spectator (Italian Journal of International Affairs)*, 56(1), 101-118.
6. Benli Altunisik, M. (2020). The New Turn in Turkey's Foreign Policy in the Middle East: *Regional and Domestic Insecurities. FEPS - Foundation for European Progressive Studies*.
7. Cavusoglu, E. (2020). From Rise to Crisis: The Qatari Leadership, *Turkish Journal of Middle Eastern Studies*, 7(1), 81-109.
8. Ehteshami, A., Mohammadi, A. (2017), Saudi Arabia's and Qatar's Discourses and Practices in the Mediterranean, *Istituto Affari Internazionali (IAI)*, Working Papers, (6).
9. Karimifard, H. (2012). Constructivism, National Identity and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, *Asian Social Science*, 8(2), 245-261.
10. Kinninmont, J. (2019). The Gulf Divided: The Impact of the Qatar Crisis, *Chatham House: The Middle East and North Africa Programme*, (Report).
11. Knutsen, T.L. (1997). A History of International Relation Theory, *Manchester & New York: Manchester University press*.
12. Mousavi, S.H., Barzegar, K., Zakerian, M. (2017). The Impact of Developments in the Arab World on the Regional Policy of Iran and Turkey, *Geopolitical Quarterly*, 12(1), 166-188.
13. Mousavi, S.H., Mousavi, K., Zakerian, M. (2018). Recent Developments in The Arab World, the Balance of Power and New Regional Groupings in The Middle East, *Geopolitical Quarterly*, 14 (3), 128-142.
14. Price, R. Reus-Smit, C. (1998). Dangerous Liasons? Critical International Theory and Constructivism, *European Journal of International Relations*, 4(3), 259-249.
15. Steinberg, G. (2013). Qatar and the Arab Spring: Support for Islamists and new anti-Syrian Policy, at: https://www.swp-berlin.org/publications/products/comments/2012C07_sbg.pdf (accessed 15/01/2022.)
16. *Turkish Statistical Institute* (2011), Turkey's trade Relations with Saudi Arabia and Qatar before the Arab Spring, at: <http://www.tuik.gov.tr>
17. Wendt, A. (1992). Anarchy is what State Make of it: The Social Construction of Power Politics, *International Organization*, 46(2), 391-425.
18. *World Bank*. (2016), at: <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD>

Translated References to English

1. Abdel Ghafar, A. (2021). Between Geopolitics and Geoeconomics: The Growing Role of Gulf States in the Eastern Mediterranean. *Istituto Affari Internazionali (IAI)*. (<https://www.jstor.org/stable/resrep28808>) Accessed: 14-01-2022.
2. Abdkhodaei, M., Tabrizi, Z. (2015). Study of Qatar's Creative Map in the Issue of Palestine after the Developments in the Region. *Journal of Strategic Policy Research*, 4(15), 179-200. **(In Persian)**
3. Adler, E. (1997). Seizing the Middle Ground: Constructivism in World Politics, *European Journal of International Relations*, 3(3), 319-363.
4. Alikhani, M. (1396). Identity in Saudi Arabia's Foreign Policy and its Regional Implications. *International Studies Journal (ISJ)*, 14(3), 210-180. **(In Persian)**
5. Alishahi, A., Masoudnia, H., Forouzan, Y. (2017). Study of Political Relations between Qatar and Saudi Arabia; From Explaining Convergence to the Political Break from the Islamic Awakening to the Crisis of the Relationship in June 2017. *Journal of Strategy, Public Policy*, 7(24), 49-72. **(In Persian)**
6. Baskan, B. (2019). Turkey between Qatar and Saudi Arabia: Changing Regional and Bilateral Relations, *Uluslararası İlişkiler*, 16(62), 85-99.
7. Baskan, B., Pala, O. (2020). Making Sense of Turkey's Reaction to the Qatar Crisis, *The International Spectator (Italian Journal of International Affairs)*, May 4.
8. Battaloglu, N.H. (2021). Ideational Factors in Turkey's Alignment with Qatar and Their Impact on Regional Security. *The International Spectator (Italian Journal of International Affairs)*, 56(1), 101-118.
9. Benli Altunisik, M. (2020). The New Turn in Turkey's Foreign Policy in the Middle East: *Regional and Domestic Insecurities. FEPS - Foundation for European Progressive Studies*.
10. Cavusoglu, E. (2020). From Rise to Crisis: The Qatari Leadership, *Turkish Journal of Middle Eastern Studies*, 7(1), 81-109.
11. Dorj, H. Eltiami Nia, R. (2018). Analysis of Qatar Diplomacy in Response to the Syrian Crisis with Emphasis on the Political Relations between Qatar and Saudi Arabia. *Journal of Political Studies of the Islamic World*, 7(3), 23-54. **(In Persian)**
12. Ehteshami, A., Mohammadi, A. (2017), Saudi Arabia's and Qatar's Discourses and Practices in the Mediterranean, *Istituto Affari Internazionali (IAI)*, Working Papers, (6).

13. Hosseini Sayadnavard, M., Mayeli, M.R. (2020), Transformation of constructivist theory from International Relations to Political Science Topics, *Scientific Quarterly of International Relations Studies*, 13(50), 149-129. **(In Persian)**.
14. Karimifard, H. (2012). Constructivism, National Identity and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, *Asian Social Science*, 8(2), 245-261.
15. Khodabakhshi, L. Azgandi, A. Hermidas Bavand, D. (2020). Foreign Policy of Iran and Saudi Arabia on the Developments in Syria (2019-2011). *International Studies Journal*, 17(2), 77-95. **(In Persian)**
16. Kinninmont, J. (2019). The Gulf Divided: The Impact of the Qatar Crisis, *Chatham House: The Middle East and North Africa Programme*, (Report).
17. Knutsen, T.L. (1997). A History of International Relation Theory, *Manchester & New york: Manchester University press*.
18. Mohammadi, H. Ahmadi, E. (2015). Geopolitical Analysis, Breaking Political Relations with Saudi Arabia and Its Impact on the Future of the Persian Gulf Cooperation Council. *Journal of Strategic Studies, Public Policy*, 8(28), 187-206. **(In Persian)**
19. Mousavi, S.H., Barzegar, K., Zakerian, M. (2017). The Impact of Developments in the Arab World on the Regional Policy of Iran and Turkey, *Geopolitical Quarterly*, 12(1). 166-188.
20. Mousavi, S.H., Mousavi, K., Zakerian, M. (2018). Recent Developments in The Arab World, the Balance of Power and New Regional Groupings in The Middle East, *Geopolitical Quarterly*, 14 (3), 128-142.
21. Omidi, A. Rezaei, F. (2011). Ottomanism - New in Turkish Foreign Policy: Its Indices and Consequences in the Middle East. *Foreign Relations Quarterly*, 3(3) 231-252. **(In Persian)**
22. Price, R. Reus-Smit, C. (1998). Dangerous Liasons? Critical International Theory and Constructivism, *European Journal of International Relations*, 4(3), 259-249.
23. Smith, S. (2004). *Reactive and Structuralist Approaches in International Theories. Globalization of Politics: International Relations in the New Age*, Translated by Abolghasem Rahmani and et.al., Tehran: International Institute for International Studies and Research. **(In Persian)**
24. Steinberg, G. (2013). Qatar and the Arab Spring: Support for Islamists and new anti-Syrian Policy, at: <https://www.swp->

berlin.org/publications/products/comments/2012C07_sbg.pdf (accessed 15/01/2022.)

25. *Turkish Statistical Institute* (2011), Turkey's trade Relations with Saudi Arabia and Qatar before the Arab Spring, at: <http://www.tuik.gov.tr>
26. Wendt, A. (1992). Anarchy is what State Make of it: The Social Construction of Power Politics, *International Organization*, 46(2), 391-425.
27. Yazdani, E., Tahanianzadeh, A., Fallahi, E. (2017). A Comparative Study of the Strategic Comparisons of Turkey and Saudi Arabia in the Syrian Crisis. *Journal of Political Studies of the Islamic World*, 6(23), 169-196. **(In Persian)**

